

پیش‌بینی رضایت از زندگی زناشویی بر اساس مؤلفه‌های هوش معنوی در دانشجویانخدیجه جعفرنژاد^{۱*}، مهدیه شیخی پور^۱، میترا راستگو مقدم^۲^۱ کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران^۲ گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران**چکیده**

بررسی و شناخت عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی به دلیل تحولات بنیادین و عمیقی که در عصر حاضر در حوزه‌ی خانواده به وجود آمده است، ضروری و حائز اهمیت است. پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی رضایت از زندگی زناشویی در دانشجویان بر اساس مؤلفه‌های هوش معنوی انجام شد. سیصد زوج از بین دانشجویان متأهل دانشگاه بیرجند با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه، رضایت زناشویی اینریچ و پرسش‌نامه هوش معنوی کینگ استفاده شد. همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه نشان داد؛ بسط هوشیاری و تفکر انتقادی وجودی پیش بین مثبت و معنادار رضایت زناشویی بود. در بررسی توان دو مؤلفه‌ی دیگر (آگاهی متعالی و معناسازی شخصی) نتایج بیانگر عدم قدرت پیش‌بینی دو مؤلفه در تبیین رضایت زناشویی بود. یافته‌های پژوهش حاضر شواهد تجربی مناسبی را در باب اهمیت رشد و پرورش هوش معنوی در افزایش رضایت زناشویی زوجین و از سوی دیگر کاهش تعارضات زناشویی و به دنبال آن تحکیم و استحکام بنیان خانواده فراهم کرد.

کلید واژه‌ها: هوش معنوی؛ تفکر انتقادی وجودی؛ بسط هوشیاری؛ رضایت زناشویی

مقدمه

بررسی و شناخت عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی به دو دلیل ضروری و حائز اهمیت است. نخست اینکه روابط و مناسبات رضایت بخش، سالم و مبتنی بر سازگاری و تفاهم بین همسران اساس زندگی موفق و سالم بوده و بقاء، دوام، ثبات و پایایی خانواده و به طبع آن بهداشت و سلامت روانی اعضای را تأمین می‌کند؛ دوم اینکه، براساس پژوهش‌های مختلف، عدم رضایت زوجین از زندگی زناشویی پیامدهای منفی‌ای را در سطوح مختلف فردی، اجتماعی و روانی برای همسران و فرزندان در پی دارد (بابانظری، ۱۳۹۶؛ جارمکا، گلاسر، مالارکی، کیکولت-گلاسر، ۲۰۱۳؛ بارسکی ریز، سومرز، کیف، موسلی-ویلیامز و لوملی، ۲۰۱۰؛ وریجموت، مونبالی، لاگاست و پرینزی، ۲۰۱۲). ضرورت دوم ناشی از تحولات بنیادین و عمیقی است که در عصر حاضر در حوزه‌ی خانواده به وجود آمده است. از برجسته‌ترین این تحولات فروپاشی پیوندهای زناشویی و روند صعودی طلاق در سالهای اخیر در جوامع مختلف است به طوری که برخی اندیشمندان، دوران جدید را در قالب اصطلاحاتی چون عصر طلاق و انقلاب طلاق توصیف کرده‌اند (فروتن، ۱۳۹۲).

در جدیدترین تبیین‌های صورت گرفته، روانشناسان حوزه‌ی دین، خلأ معنوی و غفلت انسان مدرن از ارزش‌ها و باورهای معنوی را ذکر کرده‌اند و معتقدند توانایی بهره‌گیری از منابع دینی و سود جستن از آن از عوامل مهم سازگاری و رضایت زناشویی است و عدم برخورداری از آن مشکلات زناشویی و اضمحلال پیوندهای زناشویی را به دنبال دارد. ایمونز (۱۹۹۹) در تبیین این توانایی اصطلاح هوش معنوی را به کار گرفته و آن را به عنوان کاربرد انطباقی اطلاعات معنوی با هدف تسهیل مسایل روزمره و دستیابی به هدف تعریف کرده است. به عبارت دیگر هوش معنوی در برگیرنده‌ی مجموعه‌ای از توانایی‌ها و ظرفیت‌هاست که از منابع معنوی جهت افزایش بهزیستی و انطباق پذیری فرد استفاده می‌کند (کینگ، ۲۰۰۸).

هوش معنوی زیربنای باورهای فرد است که سبب اثرگذاری بر عملکرد وی می‌شود به گونه‌ای که شکل واقعی زندگی را قالب‌بندی می‌کند، موجب افزایش قدرت انعطاف‌پذیری و خودآگاهی فرد می‌شود و او را قادر به تحمل و بردباری در برابر مشکلات و سختی‌های زندگی می‌کند (مک‌شری، دراپر و کندریک، ۲۰۰۲). این سازه دربردارنده نوعی سازگاری و رفتار حل مسأله است که بالاترین سطح رشد در حیظه‌های مختلف

شناختی، اخلاقی و هیجانی را شامل می‌شود و فرد را در جهت هماهنگی با پدیده‌های اطراف و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می‌کند (سهرابی، ۸۸).

آرام به نقل از غباری بناب، سلیمی، سلیمانی و نوری مقدم (۱۳۸۶)، هوش معنوی را شامل حس معنا و داشتن مأموریت در زندگی، حس تقدس در زندگی، درک متعادل از ارزش ماده و معتقد به بهتر شدن دنیا می‌داند. این توانایی، فرد را مجهز به مجموعه‌ای از قابلیت‌های سازش یافته‌ی روانی می‌کند که به کارگیری این قابلیت‌ها، توانایی منحصر به فرد مسأله‌گشایی، تفکر انتزاعی و کنار آمدن را تسهیل می‌کند (کینگ، ۲۰۰۸). تبیین ابعاد و مؤلفه‌های هوش معنوی نشان داده است این هوش فرد را واجد توانایی و صفات ویژه‌ای چون تمرکز داشتن بر معنی نهایی، اعتقاد به گرانبها و مقدس بودن زندگی، آگاهی از تفاوت، دوران‌دیشی، توان گوش دادن، آرام بودن هنگام آشفتگی، تناقض و دوگانگی، تعهد، فداکاری و ایمان (لیچفیلد، ۱۹۸۶، نقل از غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶)، تمامیت، تواضع، مهربانی، سخاوت و تمایل به برطرف کردن نیازهای دیگران (نوبل و وگان به نقل از نازل؛ ۲۰۰۴) شجاعت، یکپارچگی، شهود و دلسوزی (مک کولن، ۲۰۰۳، نقل از غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶) می‌کند. براین اساس این توانایی بایستی اثرات مثبت سودمندی برای افراد به ارمغان آورده، روحیه و نگرش خوشبینانه را پرورش داده، منجر به سازگاری بهتر و به دنبال آن افزایش رضایت از زندگی شود.

پیشینه تجربی پژوهش، از فرض‌های نظری حمایت کرده‌اند و نشان داده‌اند که ارتباط معناداری بین هوش معنوی، ثبات و رضایت زناشویی و افزایش کیفیت زندگی وجود دارد (بیرانوند، عزیز و منشادی، ۱۳۹۵؛ رستمی و چراغعلی گل، ۲۰۱۴؛ علی‌دادی، جعفری روشن و اسماعیل پور مقدم، ۱۳۹۳). ماهونی، پارگامنت، جوول، سوانک، اسکات، امیری و ری (۱۹۹۹) دریافتند همسرانی که به روابط خود جنبه مقدس می‌دهند رضایت زناشویی بالاتر و تعارض کمتری دارند. بابانظری (۱۳۹۶) در پژوهشی مداخله‌ای نشان داد آموزش هوش معنوی بر رضایت زناشویی زنان باردار تأثیر مثبت دارد. پژوهش بصری، نظری و کسوی (۲۰۱۵) بر روی زنان متأهل شهر کرج نیز نشان داد آموزش هوش معنوی در افزایش کیفیت رضایت زناشویی آنها تأثیر مثبت و معناداری داشته است.

با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش به نظر می‌رسد هوش معنوی تأثیر دوسویه‌ای بر افزایش کیفیت و رضایت از زندگی و نیز کاهش بحران‌ها و تعارضات زناشویی داشته باشد. لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین هوش معنوی و مؤلفه‌های آن با رضایت زناشویی و پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس مؤلفه‌های هوش معنوی در دانشجویان دانشگاه بیرجند انجام شد.

روش

شرکت‌کنندگان

جامعه آماری این پژوهش شامل دانشجویان متأهل (۳۰۰ زوج) دانشگاه بیرجند در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ بود که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. بدین صورت که ابتدا از بین تمامی دانشکده‌های دانشگاه بیرجند، ۵ دانشکده به صورت تصادفی (مهندسی، علوم پایه، ادبیات، علوم تربیتی و هنر) انتخاب و سپس از هر دانشکده، ۵ رشته به صورت تصادفی انتخاب و سپس ۱۲۰ دانشجوی متأهل نمونه‌گیری شد. پژوهش حاضر از جمله پژوهش‌های همبستگی است.

ابزار

مقیاس خود گزارشی هوش معنوی کینگ: این پرسشنامه توسط کینگ ساخته شده است و دارای ۲۴ گویه است که هوش معنوی را در مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت می‌سنجد و نمرات آن بین ۲۴ تا ۱۲۰ متغیر است و دارای چهار خرده مقیاس تفکر انتقادی وجودی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و بسط هوشیاری است. ضریب اعتبار کل آزمون و زیر مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۹۵، ۰/۸۹، ۰/۸۷ و ۰/۹۴ گزارش شده است. در مطالعه عرب‌زاده، نعیمی و پیرساقی (۱۳۹۶) نیز اعتبار برای مقیاس‌ها و کل مقیاس ۰/۷۵، ۰/۷۹، ۰/۸۶، ۰/۸۲ و ۰/۸۱ گزارش شده است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای تفکر انتقادی وجودی ۰/۷۷، تولید معنای شخصی ۰/۷۵، آگاهی متعالی ۰/۶۸، بسط هوشیاری ۰/۷۰ و آلفای کرونباخ کل مقیاس ۰/۸۹ به دست آمد.

پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ: این مقیاس توسط فورز و السون (۱۹۸۹) ساخته شد و دارای ۳۵ گویه است که رضایت زناشویی را در مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت می‌سنجد و نمرات آن بین ۳۵ تا ۱۰۵ متغیر است و دارای چهار خرده مقیاس تحریف آرمانی، رضایت زناشویی، ارتباطات و حل تعارض است. ضریب آلفای کرونباخ پرسش‌نامه در پژوهش آسوده (۱۳۸۹) با تعداد ۳۶۵ زوج به ترتیب برابر با (۰/۶۸)، (۰/۷۸)،

بسط هشیاری یا خودآگاهی، آگاهی تدریجی از لایه‌ها و ابعاد مختلف خویشتن، حرکت به سوی اوج و آگاهی عمیق از خود است (افروز و همکاران، ۱۳۸۸). زوجینی با آگاهی عمیق و شناخت بهتر از خود انتخاب‌هایشان برای ازدواج صحیح‌تر است، توانایی بیشتری برای کنترل خود دارند و تعهد بالایی نسبت به خانواده و همسر دارند. این قابلیت‌ها ضمن اینکه به خودی خود جلو بسیاری از آسیب‌های رابطه را می‌گیرد رضایت زناشویی بیشتر را موجب می‌شود. از سویی دیگر خودآگاهی باعث می‌شود فرد نیازها و ارزش‌های خود را بشناسد، از نقاط ضعف و قدرت خود به خوبی آگاه شود و از طریق آن به درک نیازها و ارزش‌های شریک زندگی خود برسد و به تبع آن رضایتمندی بیشتری را تجربه کند.

در ارتباط با نقش پیش‌بینی‌کنندگی تفکر وجودی انتقادی با توجه به اینکه چنس (۱۹۸۶؛ نقل از حسین چاری و ذاکری، ۱۳۹۲) تفکر نقادانه را توانایی تجزیه و تحلیل حقایق، خلق کردن و سازمان دادن ایده‌ها، دفاع از نظرات، مقایسه، نتیجه‌گیری، ارزیابی، استدلال و حل کردن مسائل می‌داند، این توانایی دربرگیرنده رویکردی انعطاف‌پذیر، روشن‌بینانه و خالی از تعصب در مواجهه با حوادث زندگی است. چنین نگرشی ضمن اینکه توانایی مسأله‌گشایی، تفکر انتزاعی و کنارآمدن با تعارضات، چالش‌ها و دشواری‌های زندگی را تسهیل می‌کند (کینگ، ۲۰۰۸)، توانایی زوجین برای رویارویی با مشکلات و حل مسائل روزمره را به دلیل استفاده از شیوه‌های صحیح و کارآمد حل مسأله افزایش داده در نتیجه رضایت زناشویی بیشتری را به همراه دارد.

لیچفیلد (۱۹۸۶؛ نقل از غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۶) نیز معتقد است این توانایی فرد را واجد صفاتی چون آگاهی از تفاوت، دوراندیشی، توان گوش دادن، آرام بودن هنگام آشفتگی، تناقض و دوگانگی می‌کند که اثرات مثبت و محصولات سودمندی برای زوجین به ارمغان آورده، روحیه و نگرش خوشبینانه را پرورش داده، منجر به سازگاری بهتر و به دنبال آن افزایش رضایت از زندگی می‌شود. بعلاوه، برخورداری از توانایی تفکر انتقادی به زوجین امکان دستیابی به دانش و فهم بیشتر را می‌دهد، زمینه را برای کمال و ترقی در زندگی فراهم می‌سازد و این مسئله خود باعث افزایش رضایت در زوجین می‌شود.

در بررسی توان دو مؤلفه‌ی دیگر، آگاهی متعالی و تولید معناسای شخصی، در پیش‌بینی رضایت زناشویی، به نظر می‌رسد عدم معناداری این دو مؤلفه براساس تفاوت‌های فرهنگی در نحوه ابراز و بروز مؤلفه‌های هوش معنوی قابل توجیه باشد. بنا به باور سهرابی و ناصری (۱۳۸۹) میزان تأثیرپذیری سازه هوش معنوی از تفاوت‌های فرهنگی در مقایسه با سایر هوش‌ها بیشتر است. نازل (۲۰۰۴) معتقد است در کشورهای غربی سعی شده هوش معنوی و معنویت در چهارچوب فرهنگ آنان تعریف و مؤلفه‌های آن مشخص گردد. مفهوم تحلیلی غرب از هوش بیشتر شناختی است در حالی که رویکرد ترکیبی شرق نسبت به هوش، مؤلفه‌های گوناگون تجربه و عملکرد انسان از جمله شناخت، شهود و هیجان را در برمی‌گیرد.

بر این اساس به نظر می‌رسد با توجه به فرهنگ دینی و اسلامی حاکم بر جامعه، مؤلفه‌ها و تظاهرات این سازه متفاوت باشد. این موضوع با انجام مقایسه بین ابعاد و مؤلفه‌های هوش معنوی در ابزارهای ساخته شده توسط محققان ایرانی با مؤلفه‌های هوش معنوی کینگ که در مطالعه حاضر مورد استفاده قرار گرفت قابل بررسی است. در ابزارهای ساخته شده برای بررسی این سازه توسط محققان کشورمان مؤلفه‌هایی چون شکیبایی و بخشش (سهرابی و ناصری، ۱۳۸۹)، پرداختن به سجایای اخلاقی، تفکر اعتقادی (بدیع و همکاران، ۲۰۱۱)، درک و ارتباط با سرچشمه هستی، زندگی معنوی با اتکاء به هسته درونی (عبدالله زاده و همکاران، ۱۳۸۸) مورد شناسایی قرار گرفته است که بیانگر رفتارهای فضیلت‌مآبانه و صفات و ویژگی‌هایی است که در آموزه‌های دینی اسلام مورد تأکید قرار گرفته است. لذا به نظر می‌رسد با توجه به تفاوت‌های افراد در ویژگی‌های شخصیتی، علایق معنوی، زمینه‌ها و اعمال مذهبی و معنوی که منجر به تفاوت در مهارت‌ها و ظرفیت‌های هوش معنوی و در نتیجه تفاوت در نحوه ابراز آن در بین گروه‌ها و بافت‌های مذهبی و معنوی می‌شود (ایمونز، ۱۹۹۹؛ مک‌هاوک، ۲۰۰۲؛ نقل از سهرابی و ناصری، ۱۳۸۸) این یافته قابل تبیین باشد.

به طور کلی، یافته‌های پژوهش حاضر موجب گسترش و تائید دانش نظری در ارتباط با موضوع مورد مطالعه شد. همچنین، شواهد تجربی مناسبی را در باب اهمیت رشد و پرورش هوش معنوی در افزایش رضایت زناشویی زوجین و از سوی دیگر کاهش تعارضات زناشویی و به دنبال آن تحکیم و استحکام بنیان خانواده فراهم کرد. همچنین، لزوم ساخت و استفاده از ابزارهای متناسب با فرهنگ ایرانی و اسلامی برای سنجش سازه هوش معنوی را نشان داد. لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی این امر مورد توجه و بررسی بیشتر قرار گیرد.

منابع

- افروز، غلامعلی؛ هومن، حیدر علی و محمودی نسرین (۱۳۸۸). بررسی عملی بودن، اعتبار، روایی و نرم‌یابی پرسش‌نامه هوش معنوی در دانشجویان. *تحقیقات روانشناختی*، ۱ (۳)، ۱-۲۳.
- آسوده، محمد حسین؛ خلیلی، شیوا؛ لواسانی، مسعود و دانشپور، منیژه (۱۳۸۹). پرسشنامه زوجی *انریج*. دانشگاه تهران.
- بدیع، علی؛ سواری، الهام؛ باقری دشت بزرگ، نجمه و لطیفی‌زادگان، وحیده (۲۰۱۰). *ساخت و اعتباریابی پرسشنامه هوش معنوی*. دانشگاه پیام نور تبریز، اولین سمینار روانشناسی.
- بیرانوند، حدیث، عزیزی امیر و منشادی، مسعود (۱۳۹۵). بررسی همبستگی سبک‌های دلبستگی و هوش معنوی با رضایت زناشویی در معلمان زن متأهل. *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، ۲۳ (۱۳۵)، ۱۵۲-۱۴۹.
- حسین چاری، مسعود و ذاکری، حمیدرضا (۱۳۹۲). تأثیر زمینه‌های تحصیلی دانشگاهی، علوم دینی و هنری بر هوش معنوی، کوششی در راستای رواسازی و پایایی سنجی مقیاس هوش معنوی. *فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی*، ۹۳-۷۳.
- سهرابی، فرامرز (۱۳۸۸). هوش معنوی، هوش انسانی. *روانشناسی نظامی*، ۱ (۱)، ۶۶-۶۳.
- سهرابی، فرامرز و ناصری، اسماعیل (۱۳۸۸). بررسی مفهوم و مؤلفه‌های هوش معنوی و ساخت ابزاری برای سنجش آن. *پژوهش در سلامت روانشناختی*، ۳ (۴)، ۷۷-۶۹.
- شریفی نیا، حمید؛ حقدوست، علی اکبر، عبادی، عباس؛ سلیمانی، محمدعلی؛ یعقوب‌زاده، آمنه؛ عباسزاده، عباس؛ برهانی، فریبا؛ کرم، محمدرضا و ملوک زاده؛ سرور (۱۳۹۴). بررسی ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه هوش معنوی کینگ در جانبازان جنگ ایران و عراق. *مجله طب نظامی*، ۱۷ (۳)، ۱۵۳-۱۴۸.
- عرب‌زاده، مهدی؛ نعیمی، قادر و پیرساقی، فهیمه (۱۳۹۶). پیش‌بینی رضایت زناشویی در دانشجویان براساس سبک زندگی اسلامی و هوش معنوی. *روانشناسی*، ۶ (۱)، ۴۴-۲۵.
- علیدادی طائمه؛ جعفری روشن، مرجان و اسماعیل پور مقدم، حمیدرضا (۱۳۹۳). رابطه هوش معنوی با راهبردهای برخورد با تعارضات زناشویی و رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متأهل شهر تهران. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۴ (۳)، ۵۲۸-۵۰۷.
- غباری بناب، باقر؛ سلیمی، محمد؛ سلیمانی، لیلا و نوری مقدم، ثنا (۱۳۸۶). هوش معنوی. *فصلنامه اندیشه نوین دینی*، ۳ (۱۰)، ۱۴۷-۱۲۵.
- فروتن، یعقوب (۱۳۹۲). چالش‌های خانواده معاصر و نوگرایی با تأکید بر طلاق در فرایند گذار جمعیتی. *مسائل اجتماعی ایران*، ۴ (۲)، ۱۲۹-۱۰۵.
- Barsky Reese, J., Somers, T. J., Keefe, F. J., Mosley-Williams, A., & Lumley, M. A. (2010). Pain and functioning of rheumatoid arthritis patients based on marital status: Is a distressed marriage preferable to no marriage? *Journal of Pain*, 11, 958-964.
- Basravi, Nazary, a & Kasayi, a. (2015). Investigation of the spiritual intelligence effectiveness on married women's marital life satisfaction . *International Journal of Psychology and Behavioral Research*, 4(1), 015-019.
- Bradbury, T.M., Fincham, F.D& Beach, S.R.H (2000). Research on the Nature and Determinants of Marital Satisfaction: A Decade in Review. *Journal of Marriage and Family*, 62(4), 964-980.
- Emmons. A. (1999). The psychology of ultimate concerns: Motivation and spirituality in personality. New York: Guilford.
- Fowers B. J. Olson D. H. (1989). ENRICH Marital Inventory: A Discriminant Validity and Cross-Validity Assessment. *Journal Marital and family Therapy*. 15. 65-79
- Gain, M. and Purohit, P (2006). Spiritual intelligence: A contemporary concern with regard to living status of the senior citizens. *Journal of the Indian Academy of Applied psychology*, 32(3), 227- 233.
- Jaremka, L. M., Glaser, R., Malarkey, W. B., & Kiecolt-Glaser, J. K. (2013). Marital distress prospectively predicts poorer cellular immune function. *Journal of Psych neuroendocrinology*, 38(11), doi: 10.1016/j.psyneuen.2013.06.031. Epub 2013 Jul 20.
- King, D. (2008). Rethinking claims of spiritual intelligence: a definition, model and measure Applications of modeling in the Natural and social sciences program. Trent University. Canada .
- Lower, L. (2005). Couple, with young children INM, Handbook for couple therapy. New Jersey: Wiley.
- Mahoney , A. , Pargament , K. I. , Jewell , T. , Swank , A. B. , Scott, E. , Emery , E. , & Rye, M. (1999). Marriage and the spiritual realm: The roles of proximal and distal religious constructs in marital functioning. *Journal of Family Psychology*, 13, 321- 338
- Mcsherry, W. P. Draper, & D. Kendrick. (2002). The construct validity of a rating scale designed to assess spiritual care. *International Journal of Nursing Studies*, 39(7), 723-734.

- Olson DHL.(2000). Circumplex model of marital & family systems. *Association for Family Therapy*, 22(2), 144-167.
- Rostami,a. m, Cheraghali Gol, h.(2014). Prediction of Marital Satisfaction based on Spiritual Intelligence. *Social and Behavioral Sciences*, 116, 2573 – 2577.
- Taniguchi, S.T., Freeman, P.A., Taylor, S., & Malcarne, B. (2006). A study of married couples' perceptions of marital satisfaction in outdoors recreation. *Journal of Experiential Education*, 28 (3), 253-256.
- Vrijmoeth, C., Monbaliu, E., Lagast, E., &Prinzie, P. (2012). Behavioral problems in children with motor and intellectual disabilities: Prevalence and associations with maladaptive personality and marital relationship. *Journal of Research in Developmental Disabilities*, 33, 1027-1038.
- Zohar, D. marshal, L (2000). SQ- spiritual intelligence, the ultimate intelligence, New York & London: Bloomsbury publishing, 2, 4-10 .